

بررسی های حقوقی

مناطق تجارت آزاد

۱- مفهوم

کامله الوداد^۱، ارائه داد. لبنان پیشنهاد کرده بود که این استثنائات علاوه بر اتحادیه گمرکی^۲ سنتی و انواع ترجیح‌حاتی که در میان کشورهای همجوار یا کشورهای واقع در یک

ریشه اصطلاح «منطقه تجارت آزاد»^۱ در پیشنهادی نهفته است که لبنان به کمیته مقدماتی مسئول تنظیم منشور هاوانا، به هنگام بررسی استثنائات اصل دولت

1. Free Trade Area.

3. Customs union.

2. Most - Favoured - Nation.

در مناطق تجارت آزاد برخلاف اتحادیه‌های گمرکی، استقلال دولتهای عضو برای تصمیم‌گیری در مورد سیاست تجارت خارجیشان به طور کامل حفظ می‌شود.

از طریق امحاء موانع داخلی، ویژگی مشترک اتحادیه‌های گمرکی و مناطق تجارت آزاد می‌باشد، تفاوت اساسی آن دو در وضع تعرفه‌های گمرکی یکنواخت، برای کالاهای وارداتی از کشورهای ثالث نهفته است. این امر وجود ارکان مشترک و قبول تعهد برای اتخاذ سیاست تجاری مشترک را در اتحادیه گمرکی لازم می‌گرداند و از اینرو بر حاکمیت دولت و یا به قول دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی^۲ بر استقلال اقتصادی دولت اثر می‌گذارد (نظر مشورتی دیوان در مورد رژیم گمرکی آلمان و اتریش). در مقابل، منطقه تجارت آزاد درجه ادغام بسیار کمتری را ایجاد می‌کند. استقلال کامل دولتهای عضو برای تصمیم‌گیری راجع به سیاست تجارت خارجیشان در قبایل کشورهای ثالث خدشه‌دار نمی‌شود و حتی کشورهای عضو از مزایای تجارت آزاد میان خود بهره‌مند می‌گردند. ضمناً بدین دلیل بود

منطقه اقتصادی وجود دارد، باید مناطق تجارت آزاد را شامل شود. از آنجا که این موضوع علاوه بر توجه کشورهای در حال توسعه خاورمیانه و خاور نزدیک و آمریکای لاتین، توانست توجه کشورهای صنعتی (بویژه فرانسه) را بخود معطوف دارد، در متن نهایی ماده ۴۴ منشور هاوانا گنجانده شد، اما این منشور تصویب نهایی تعداد دولتهای لازم را بدست نیاورد و بنابراین هرگز به اجرا درنیامد. مفاد ماده ۴۴ بار دیگر در ماده ۲۴ موافقتنامه عمومی تعرف و تجارت (گات)^۱ منعقد در سال ۱۹۴۷، یعنی جانشین دائمی سازمان تجارت بین‌المللی پیش‌بینی شده در منشور بدفرجام هاوانا، ظاهر گردید. از طریق این ماده از موافقتنامه بود که اصطلاح تجارت آزاد وارد حقوق اقتصاد بین‌المللی شد.

شق ب از بند ۸ ماده ۲۴ گات، منطقه تجارت آزاد را بدین صورت تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از دویا تعداد بیشتری از قلمرو گمرکی که در آن حقوق و عوارض گمرکی و دیگر قواعد محدودکننده تجارت اساساً برای کل مبادلات تجاری میان قلمروهای تشکیل‌دهنده، در مورد کالاهایی که مبدأ آنها قلمروهای مزبور باشد، از میان برداشته می‌شود.»

در حالی که هدف برقراری تجارت آزاد

1. General Agreement of Tariffs and Trade (GATT).
2. Permanent Court of International Justice (PCIJ).

که دولتهای دائماً بیطرف، راه تجارت آزاد را به عنوان مدلی برای مشارکتشان در ادغام اروپا برگزیدند.

۲- تاریخچه

بنیاد مناطق تجارت آزاد با تأسیس گات قرین شد. هر چند پیش از گات نیز این نوع گروهبندی‌های اقتصادی متشکل از دولتها، کاملاً ناشناخته نبود. از آنجا که چنین گروهبندی‌هایی حائز تمامی شرایط اتحادیه‌های گمرکی نبودند، آنها را اتحادیه‌های گمرکی «ناقص» یا «غیرکامل» می‌خواندند. این گروهبندی‌ها اغلب خصوصیات منطقه تجارت آزاد امروزی را داشتند. اتحادیه گمرکی میان سوئد و نروژ طی سده نوزدهم، کانادا و ایالات متحده در فاصله سالهای ۱۸۵۴ و ۱۸۶۶، لهستان-دانزیگ پس از سال ۱۹۲۱، و لوکزامبورگ و بلژیک بعد از سال ۱۹۳۵ از این نوع گروهبندی‌ها بودند. نخستین ابتکار تأسیس منطقه تجارت آزاد، طبق تعریف ماده ۲۴ گات، در چهارچوب «سازمان همکاری اقتصادی

اروپا»^۱، سلف «سازمان توسعه و همکاری اقتصادی»^۲، بعمل آمد. این جریان منجر به انعقاد کنوانسیون استکهلم گردید که براساس آن «اتحادیه تجارت آزاد اروپا»^۳ در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۵۹ تشکیل شد و کشورهای اتریش، دانمارک، نروژ، پرتغال، سوئد، سوئیس و بریتانیا به آن ملحق شدند. پس از انعقاد موافقتنامه هلسینکی در ۲۷ مارس سال ۱۹۶۱، فنلاند نیز به صورت عضو پیوسته^۴ درآمد. در پی نخستین مرحله گسترش جوامع اروپایی، موافقتنامه‌هایی در خصوص تجارت آزاد با کشورهای اتریش، پرتغال، سوئد و سوئیس در ۲۲ ژوئیه سال ۱۹۷۲ به امضا رسیدند که از اول ژانویه سال ۱۹۷۳ لازم‌الاجرا شدند. موافقتنامه‌های مشابهی نیز با ایسلند، نروژ و فنلاند منعقد گردید، با این هدف که علاوه بر منطقه تجارت آزاد موجود میان سایر اعضا اتحادیه تجارت آزاد اروپا، مناطق تجارت آزاد جدیدی میان آنها از یکسو و جوامع اروپایی از سوی دیگر، تشکیل شود. بدین ترتیب منطقه تجارت آزاد اروپا حدود هجده کشور را شامل گردید.

همزمان با توسعه منطقه تجارت آزاد در اروپا، فکر منطقه تجارت آزاد در کشورهای

1. Organisation for European Economic Co-operation (OEEC).
2. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD).
3. European Free Trade Association (EFTA).
4. Associate member.

آمریکای لاتین نیز پذیرفته شد. براساس «معاهده چندجانبه تجارت آزاد و ادغام اقتصادی آمریکای مرکزی» که در شهر تگیوسی گالپا^۱ هندوراس در ۱۰ ژوئن سال ۱۹۵۸ به امضا رسید، کشورهای کوستاریکا، السالوادور، گواتمالا، هندوراس و نیکاراگوئه، رژیم تجارت آزادی را در برابر مدل‌های اروپایی آن، بوجود آوردند، هر چند هدف از این معاهده درغایت ایجاد اتحادیه‌ای گمرکی «به محض فراهم شدن شرایط مطلوب» بود (ماده ۱ معاهده). همچنین کشورهای گواتمالا، هندوراس و السالوادور در تاریخ ۶ فوریه سال ۱۹۶۰ معاهده دیگری موسوم به «معاهده مربوط به اتحادیه اقتصادی» را در گواتمالاسیتی امضا کردند. ماده ۱ این معاهده ضمناً «عبور آزاد اشخاص، کالا و سرمایه میان سرزمینهایشان» را بطور متقابل تضمین می‌کرد. در مواد ۱ و ۲ «معاهده ماناگوا در مورد ادغام اقتصادی آمریکای مرکزی» مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۶۰، تکمیل جریان ایجاد منطقه تجارت آزاد آمریکای مرکزی ظرف مدت پنج سال، و به دنبال آن ایجاد بازار مشترک و وضع تعرفه یکنواخت برای کشورهای آمریکای مرکزی پیش‌بینی شده بود.

مکزیک و ده کشور آمریکای جنوبی، بعنوان واکنش نسبت به تجارت آزاد و دیگر حرکت‌های ادغام اقتصادی در آمریکای مرکزی، «معاهده مونته‌ویدئو»^۲ را منعقد ساختند که براساس آن منطقه تجارت آزاد ایجاد شد و «اتحادیه تجارت آزاد آمریکای لاتین»^۳ در ۱۸ فوریه سال ۱۹۶۰ شکل گرفت. در بند ۷ مقدمه این معاهده بر پایی بازار مشترک کشورهای آمریکای لاتین برای مرحله بعد در نظر گرفته شده بود. در ماده ۲ معاهده‌ای که براساس آن اتحادیه تجارت آزاد آمریکای لاتین بوجود آمد، یک دوره انتقالی دوازده ساله برای ایجاد منطقه تجارت آزاد پیش‌بینی گردیده بود. حتی پس از تمدید این مدت تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۸۰، باز هم منطقه تجارت آزاد به مفهوم ماده ۲۴ گات نتوانست بوجود آید. بدین سبب، طبق معاهده دوم مونته‌ویدئو مورخ ۱۲ اوت سال ۱۹۸۰، اتحادیه تجارت آزاد آمریکای لاتین جای خود را به سازمانی انعطاف‌پذیرتری یعنی «اتحادیه ادغام آمریکای لاتین»^۴ داد.

به موازات حرکتی که برای ایجاد «اتحادیه تجارت آزاد آمریکای لاتین» صورت گرفت، کشورهای آنتسی‌گوا، باربادس و گویان بریتانیا نیز طبق

1. Tegucigalpa.
2. Montevideo Treaty.
3. Latin American Free Trade Association (LAFTA).
4. Latin American Integration Association (LAIA).

کشورهای اروپایی و غیراروپایی به امضا رسانده اند که در برخی از آنها، مانند موافقتنامه منعقد در سال ۱۹۷۵ با اسرائیل، ویژگیهای لازم برای تشکیل منطقه تجارت آزاد بچشم می خورد.

برای آینده نیز طرحهایی جهت ایجاد منطقه تجارت آزاد میان کانادا و ایالات متحده آمریکا در دست تهیه می باشد که قرار است CUFTA^۶ نامیده شود. همچنین مناطقی از این نوع در حوزه اقیانوس آرام با همکاری ژاپن بعنوان یک قدرت اقتصادی پیشگام بوجود می آید که قرار است PAFTA^۷ نام گیرد.

موافقتنامه دیکینسون بی^۱ مورخ ۱۵ دسامبر سال ۱۹۶۵، «اتحادیه تجارت آزاد منطقه کارائیب»^۲ را بوجود آوردند. بعداً این اتحادیه از طریق موافقتنامه متممی که در ۱۸ مارس سال ۱۹۶۸ به امضاء رسید کل منطقه کارائیب را تحت پوشش قرار داد.

اتحادیه تجارت آزاد منطقه کارائیب نیز بعداً براساس معاهده چاگوراماس^۳ مورخ ۴ ژوئیه سال ۱۹۷۳، جای خود را به «جامعه کارائیب»^۴ داد که اساساً مدل اتحادیه گمرکی را دنبال می کند. بدین ترتیب اتحادیه مزبور به صورت نخستین نمونه منطقه تجارت آزاد این حوزه درآمده است که عملاً در قالب اتحادیه گمرکی تحول می یابد.

۳- مسائل عمومی مناطق تجارت آزاد

الف- از میان برداشتن تزییقات تجاری: طبق شق ب از بند ۸ ماده ۲۴ گات امحاء تزییقات تجاری ویژگی اصلی منطقه تجارت آزاد بشمار می آید. از یکسو اعمال

در منطقه اقیانوسیه نیز زلاندنو و استرالیا طبق موافقتنامه ای که در تاریخ ۳۱ اوت سال ۱۹۶۵ منعقد ساختند NAFTA^۵ را بوجود آوردند که هدف آن هم تبدیل شدن به یک اتحادیه گمرکی است. جوامع اروپایی تعداد زیادی موافقتنامه های اتحاد، همکاری و تجاری با

1. Dickinson Bay Agreement.
2. Caribbean Free Trade Association (CARIFTA).
3. Chaguramas Treaty.
4. Caribbean Community (CARICOM).
5. New Zealand - Australia Free Trade Agreement (NAFTA).
6. Canda - US Free Trade Area (CUFTA).
7. Pacific Free Trade Area (PAFTA).

بنگاههای خصوصی و شرکتهای دولتی قرار می‌گیرد، به اهداف هر نوع منطقه تجارت آزاد لطمه وارد آورده و بنابراین احتمالاً باید کنار گذاشته شوند. این گفته همچنین در مورد کمکهای دولتی و آن دسته از صادراتی که با هدف دامپینگ و کمکهای مالی انجام می‌پذیرند مصداق دارد (مواد ۱۳ تا ۱۷ معاهده اتحادیه تجارت آزاد اروپا، و معاهده اتحادیه تجارت آزاد منطقه کارائیب).

ب- قواعد مربوط به مبدأ کالا و انحرافات تجارت:

هر دو موضوع مختص مناطق تجارت آزاد هستند. ریشه آنها در این واقعیت نهفته است که اعضاء مناطق تجارت آزاد برای ایجاد حصار تعرفه‌ای مشترک در مقابل کشورهای غیرعضو - برخلاف اعضای اتحادیه‌های گمرکی - مجبور نیستند به دیگران پیوندند، بلکه در این خصوص کاملاً آزادند. در نتیجه کشورهای ثالث به منظور برخورداری از مزایای منطقه تجارت آزاد ممکن است از طریق دروازه‌های کشورهای که در آن کمترین میزان حقوق و عوارض گمرکی به کالایی خاص تعلق می‌گیرد، وارد منطقه شوند. بنابراین چنین روشهایی به زیان اعضایی خواهد بود که برای برخی از محصولات تعرفه‌های بالاتری وضع کرده‌اند. بنا به دلایل مذکور، شق ب از بند ۸ ماده ۲۴ گات مقرر می‌دارد که تنها «محصولاتی که

تعرفه‌ها، تعرفه‌های نامرئی^۱ و محدودیتهای کستی بر واردات و ازسوی دیگر حقوق و عوارض متعلق به صادرات و محدودیتهای صادراتی، در زمره این تزییقات قرار دارند. به اجرا درآمدن اسنادی که براساس آنها مناطق تجارت آزاد ایجاد شده‌اند، هرگز نمی‌تواند به خودی خود این موانع را رفع کند، بلکه چنین اقدامی مستلزم پیش‌بینی دوره‌ای انتقالی از ۵ سال (مثلاً ترتیبات پیش‌بینی شده میان اتریش و بازار مشترک اروپا در سال ۱۹۷۲) الی ۱۲ سال (اتحادیه تجارت آزاد آمریکای لاتین - لا فتا) می‌باشد که طی آن باید حقوق و عوارض گمرکی و سایر تزییقات بتدریج از میان برداشته شوند.

اصل آزادسازی ورود و صدور می‌تواند در مورد تمامی کالاها یا تنها دسته‌ای خاص از آنها (مانند محصولات ساخته شده) اعمال گردد. کشورهای آمریکای لاتین از روش نخست تبعیت می‌کنند، در حالی که منطقه تجارت آزاد اروپایی اساساً تولیدات کشاورزی، ماهی و دیگر محصولات دریایی را از دامنه شمول این اصل مستثنا می‌کنند.

لازمه امحاء موانع تجاری آن است که هر عضو منطقه تجارت آزاد متعهد شود قواعدی را در خصوص جلوگیری از انحراف جریان رقابت به اجرا گذارد. روشهای بازرگانی محدودکننده نیز، مانند تشکیل تراست، کارتل، انحصارات و غیره، که مورد استفاده

نمانکلا تور بروکسل طبقه بندی شوند که در آن مواد یا اجزایی^۴ که کشور عضو برای تولید آن کالا وارد می کنند، در نظر گرفته شده باشد.

(۳) استفاده از معیار «درصد»^۵ یا «ارزش افزوده»^۶ برای کالاهایی که ارزش اجزای بکار رفته در آنها - که متعلق به کشورهای عضو منطقه است - بیش از ارزش مواد وارداتی از کشورهای غیر عضو باشد. گواه این واقعیت که کالای خاصی با یکی از معیارها انطباق دارد سندی موسوم به «گواهی مبدأ»^۷ یا «گواهی جابجایی»^۸ است. عنوان اخیر در منطقه تجارت آزاد اتریش - بازار مشترک بکار رفته و در آن اجازه صدور گواهی جابجایی به مقامات گمرکی اتریش و دولت های عضو جامعه اعطاء شده است.

موضوع «انحرافات تجارت»^۱ یا «انحراف داد و ستد تجاری»^{۱۰} احتمالاً نتیجه ایجاد حصارهای تعرفه ای مستقل از جانب یک عضو منطقه در مقابل کشورهای غیر عضو است. شکل مورد بحث، از وجود تعرفه های مختلف برای مواد خام و یا محصولات نیمه تمام وارداتی از کشورهای ثالث ناشی می شود. این محصولات ممکن

مبدأ آنها چنین سرزمین هایی باشند» باید از مزایای منطقه تجارت آزاد منتفع شوند. از آنجا که منحصراً چنین کالاهایی مشمول به اصطلاح «طرز عمل تعرفه منطقه ای»^۱ می باشند، لذا تعریف شرایطی که مبدأ کالاهای متعلق به کشورهای عضو منطقه برحسب آن تعیین می شود، حائز اهمیت تعیین کننده است. در حالی که در نظام های تجارت آزاد اروپا مجموعه قواعد دقیقی پیرامون این موضوع در ضوابط اسناد اصلی بوجود آورنده مناطق، مقرر شده است، نظام های تجارت آزاد آمریکای لاتین خود را به مقررات کلی ناظر بر معیارهای ذی ربط برای توصیف «طرز عمل تعرفه منطقه ای» محدود کرده اند (ماده ۴۹ اتحادیه تجارت آزاد آمریکای لاتین و ماده ۵ اتحادیه تجارت آزاد منطقه کارائیب). راه حل های اصلی در زمینه مورد بحث بدین قرارند:

(۱) استفاده از معیار «کلاً تولید شده»^۲ برای کالاهایی که تماماً در منطقه تولید شده اند.

(۲) استفاده از معیار «پردازش»^۳ برای کالاهایی که از طریق پردازش کیفی در منطقه تولید شده اند. کالاهای مزبور باید تحت عناوین دیگر بجز عناوین تعرفه

1. Area Tariff Treatment.
2. Wholly Produced.
3. Process.
4. Components.
5. Percentage.

6. Value - added.
7. Certificate of Origin.
8. Movement Certificate.
9. Deflections of Trade.
10. Diversion of Commercial Traffic.

امحاء تزییقات تجاری و ویژگی اصلی منطقه تجارت آزاد است که معمولاً طی دوره‌ای انتقال به تدریج صورت می‌گیرد و از جمله با حذف حقوق و عوارض گمرکی برای کالاها و وارداتی از کشورهای عضو منطقه همراه می‌باشد.

کشور وارد کننده برطبق موافقتنامه صورت داده است.

(۴) این افزایش به دلیل وجود تفاوت شدید میان سطح حقوق و عوارض و یا هزینه‌های گمرکی طرفها باشد که به مواد خام یا محصولات واسطه‌ای بکاررفته در ساخت کالای مورد بحث، تعلق می‌گیرد و اثراتی مشابه موارد قبل به نفع طرف متعاقد صادرکننده آنها برجا می‌گذارد.

ج- ساختار تشکیلاتی:

مبنای حقوقی منطقه تجارت آزاد، معاهده‌ای است که با ایجاد حداقل یک رکن مشترک، همزمان به عنوان اساسنامه یک سازمان بین‌المللی عمل می‌کند. ساختار تشکیلاتی اتحادیه تجارت آزاد اروپا نسبتاً پیچیده است. اتحادیه تجارت آزاد اروپا از شورا بعنوان رکن عالی با وظایف قانونگذاری، اداری و همچنین حقوقی، دبیرخانه و تعدادی کمیته (کمیته‌های بررسی کننده، کمیته گمرک، کمیته بودجه،

است از طریق دروازه‌های کشور عضوی که در آن تعرفه در سطح نازلی قرار دارد، وارد منطقه شده و بعداً از طریق پردازش یا مونتاژ به صورت محصولات جدیدی درآید و به عنوان کالای تولیدی منطقه تلقی گردد. از اینرو محصولات مزبور در رقابت با کالاها و مشابهی که مبدأ آنها نیز کشورهای عضو منطقه است. منتها در آن کشورها به مواد خام یا محصولات واسطه‌ای لازم تعرفه‌های بالاتری تعلق می‌گیرد. از امتیاز برخوردارند. به منظور مبارزه با چنین روشهایی، در اکثر اسناد مؤسس مناطق تجارت آزاد، موادی گنجانده می‌شود که در آنها انحرافات تجارت تعریف شده است (مانند: ماده ۵ کنوانسیون اتحادیه تجارت آزاد اروپا، ماده ۶ موافقتنامه اتحادیه تجارت آزاد آمریکای لاتین، ماده ۲۴ موافقتنامه منعقدہ میان اتریش و بازار مشترک اروپا). اما مقابله با این مشکل، پیش از ارجاعش به رکن ذی صلاح پیش‌بینی شده در منطقه، در درجه نخست برعهده دولت لطمه دیده گذاشته شده است. معیارهای تعیین شده در موافقتنامه سال ۱۹۷۲ اتریش و بازار مشترک اروپا بدین قرارند:

(۱) مشاهده افزایش ورود کالایی خاص از یک کشور طرف موافقتنامه به کشور دیگر عضو.

(۲) این افزایش به زیان هر فعالیت تولیدی کشور اخیرالذکر (کشور دیگر عضو) بوده و یا احتمالاً چنین اثری را داشته باشد.

(۳) این افزایش در نتیجه تقلیل جزئی و یا کلی حقوق و عوارض گمرکی باشد که

کمیته کارشناسان تجاری و غیره) تشکیل می‌شود. این پیچیدگی در ساختار تشکیلاتی اتحادیه ادغام آمریکای لاتین نیز مشاهده می‌گردد. از سوی دیگر ساختار موافقتنامه‌های منعقدہ میان سایر کشورهای عضو افتا (منظور کشورهایی است که عضو بازار مشترک اروپا نیستند) و بازار مشترک اروپا نسبتاً ساده است. در این موافقتنامه‌ها تنها ایجاد یک رکن، یعنی کمیته مشترک، در نظر گرفته شده است که مسئول اجرای موافقتنامه مربوط می‌باشد (مثلاً ماده ۲۹ موافقتنامه منعقدہ میان اتریش و بازار مشترک اروپا تشکیل چنین کمیته‌ای را مقرر می‌دارد). بدین منظور، همچنین به کمیته مزبور اختیارات قانونگذاری اعطاء شده و بعلاوه این کمیته ممکن است بعنوان رکن مسئول حل و فصل اختلافات میان اعضای منطقه تجارت آزاد و آن دولت عمل کند (مانند پی گیری مسائل ناشی از انحرافات تجارت، دامپینگ و غیره).

د- مناطق تجارت آزاد و گات:

در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) موضعگیری مطلوبی در قبال اتحادیه‌های گمرکی و مناطق تجارت آزاد صورت گرفته که در بند ۴ ماده ۲۴ این موافقتنامه انعکاس یافته است. زیربنای فکری ماده مزبور آن است که ایجاد بازارهای بزرگتر از طریق این دو شکل ادغام

اقتصادی، به رشد اقتصادی کشورهای عضو منجر شده و به نوبه خود تقاضا برای محصولات کشورهای ثالث (منظور اعضای گات است) را افزایش خواهد داد. از سوی دیگر، اتحادیه‌های گمرکی یا مناطق تجارت آزاد نباید برای پنهان نگهداشتن ترتیبات ترجیحی^۱ در چهارچوب نظام گات مورد سوءاستفاده قرار گیرند.

در سال ۱۹۶۰ مشکلاتی در خصوص اتحادیه تجارت آزاد اروپا پدیدار گشت و آن زمانی بود که تعداد زیادی از اعضای گات احساس کردند که محدود ساختن تجارت آزاد به کالاهای صنعتی تنها به معنای آن است که اتحادیه مزبور نتوانسته شرایط گات در زمینه «اساساً کلی تجارت» را متحقق سازد، شرایطی که مناطق تجارت آزاد را بعنوان استثنایی بر اصل استاندارد دولت کامله الوداد توصیف می‌کند. از سوی دیگر، در اساسنامه‌های اتحادیه تجارت آزاد آمریکای لاتین (۱۹۶۰) و اتحادیه تجارت آزاد زلاندنو و استرالیا (۱۹۵۶) جدول زمانبندی شده مشروحي در خصوص امحاء موانع تجاری به چشم نمی‌خورد و بنابراین اسناد مزبور با شرط «توافق فی مابین ضروری برای ایجاد منطقه تجارت آزاد» مقرر در بند ۵ ماده ۲۴ گات انطباق ندارند. به رغم تفاوت‌های اشاره شده میان اسنادی که جهت بررسی تسلیم گات شده‌اند و ماده ۲۴ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت،

1. Preferential Arrangements.

اعضای گات این اشکال ادغام منطقه‌ای را سرانجام تصویب کرده‌اند. در موافقتنامه‌هایی که اخیراً به امضاء رسیده‌اند، مانند اسناد منعقد شده در سال ۱۹۷۲ میان اتحادیه تجارت آزاد اروپا و بازار مشترک اروپا، عبارت صریحی به چشم می‌خورد که برای مثال، به موجب آن طرفهای متعاقد «تصمیم گرفته‌اند... موافقت می‌کنند که بر سر راه اساساً کل تجارتشان در زمینه برپایی مناطق تجارت آزاد وجود دارد، طبق مفاد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت به تدریج از میان بردارند» (بند دوم مقدمه).

۴- ارزیابی

فکر اصلی تشکیل منطقه تجارت آزاد - بعنوان اتحادیه نسبتاً سست میان دولتهای برخوردار از حاکمیت، به منظور تسهیل جریان تجارت - از اواخر دهه ۱۹۵۰ دو طریق مختلف را پیموده است: در اروپا، منطقه تجارت آزاد بعنوان شقی دیگر برای اتحادیه گمرکی - که در آن ادغام شدید دولتها با اهداف سیاسی مد نظر بود - تلقی می‌شد و بنابراین تنها به همکاریهای

به نقل از:

Peter Fischer, *Encyclopedia of Public International Law*, vol. 8. Amsterdam: North - Holland, 1985, PP. 250 - 54.

اقتصادی دولتهای عضو منطقه محدود بود. در آمریکای لاتین (و همینطور در اتحادیه تجارت آزاد زلاند نو و استرالیا) فکر تشکیل منطقه تجارت آزاد نقطه آغازی بود برای دستیابی به ادغام منطقه‌ای در سطح بالا، بطوری که در این مناطق نه تنها یک سیاست تجاری مشترک، بلکه همچنین سیاست مشترکی در قبال سایر مناطق اتخاذ گردد.

گرچه تمامی اسناد مؤسس (اساسنامه‌های) مناطق تجارت آزاد را تنها به دشواری می‌توان با روح و زبان ماده ۲۴ گات هماهنگ ساخت و بنابراین این مناطق فقط ترتیبات ترجیحی گسترده‌ای بشمار می‌آیند (در واقع اکثراً نیز چنین اعتقادی دارند)، مع هذا گات بنا به واقعیات زندگی اقتصادی بین‌المللی و اظهاراتی که در مورد رشد مداوم منطقه‌گرایی^۱ بعمل می‌آید، آنها را تحمل کرده است. این تحمل در واقع به گونه خوبی صورت گرفته است. همانطور که یک نویسنده متأخر می‌گوید: «علت ممکن است در این امر نهفته باشد که نیروهای طرفدار منطقه‌گرایی چنان قدرت یافته‌اند که اگر گات، همانند یک خیزران عاقل، قبل از وزیدن تندباد خم نگردد، احتمال دارد به گونه‌ای جبران‌ناپذیر شکسته شود.»